



دانشگاه‌های ترکیه چگونه به اطلاعات علمی دست می‌یابند؟*

● طبق پیش‌بینی چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه علم و فناوری، قرار است ایران در پایان این دوره به مقام اول تولید علم و فناوری در منطقه ارتقا یابد. رتبه‌ای که هم‌اکنون در اختیار کشور ترکیه است. این مقاله به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان با شرایط موجود در دانشگاه‌های ترکیه و تجارب انجام شده در این زمینه به چاپ می‌رسد.

نویسنده: دکتر عرفان چاکین
ترجمه: اصغر دلبری پور

وقتی علم به صورت یک ارزش اقتصادی مطرح شد و نقش موثری در تولید به دست آورد، از یک سو بحث مربوط به "جامعه علم" شتاب و سرعت یافت و از سوی دیگر بررسی مسائل زیربنایی مربوط به عرضه علم به جامعه و اتخاذ سیاست‌ها و پیشگیری‌های لازم قدم در میدان گذاشت. دانشگاه‌ها که در چهارچوب سیاست‌های علمی ملی نقش حیاتی دارند، به جهت این که هم تولیدکننده علم و آگاهی‌ها و هم مصرف‌کننده آنها هستند، باید از نقطه نظر کتابخانه‌ها که زمینه ساز عرضه معلومات‌اند ارزیابی شوند.

مقدمه

دانشگاه‌ها نهادهای آموزشی و پرورشی هستند که محیط لازم را برای شکل‌دهی حرفه‌ای، فرهنگی و هنری دانشجویان فراهم می‌آورند؛ برای مسائل و مشکلات انسان و طبیعت راه حل پیدا می‌کنند و به فعالیت‌هایی می‌پردازند که مرزهای علم را تحت فشار قرار می‌دهد. با این که حفاظت و عرضه علم موجود به عنوان فعالیت سنتی را دانشگاه‌های بولونی (۱۱۵۸) و پاریس (۱۱۷۹) - که به عنوان دانشگاه‌های پیشاهنگ شناخته می‌شوند- آغاز کردند، فعالیت‌های تحقیقاتی که دانشگاه‌ها را از سایر موسسات آموزش عالی متمایز می‌سازد و به تشکل نوین آنها امکان می‌دهد، سابقه چندانی ندارد. این مسئله در اوایل قرن نوزدهم با اصل "Wissenschaft als Beruf" که ویلهلم فون هامبولت (یکی از بنیانگذاران دانشگاه برلین) عنوان کرده بود، مطرح شد (گوریز، ۱۹۹۲: ۳۵۴). پیش از تاسیس دانشگاه برلین، که معتقد بود فعالیت‌های آموزشی بدون انجام پژوهش‌های علمی نمی‌تواند ادامه داشته باشد، فعالیت‌های پژوهشی تنها در انجمن‌های علمی - تحقیقاتی صورت می‌گرفت.

اصل "اتحاد پژوهش و آموزش" منجر به توسعه دانشگاه‌های بسیاری از کشورها از جمله آمریکا شد. به نظر وایت هد، که یکی از چهره‌های سرشناس نظام دانشگاهی در آمریکاست، دانشگاه یک مرکز پیشرفت و توسعه است که از طریق تاثیر متقابل آموزش و پژوهش حاصل می‌آید. تحقیقات علمی در دانشگاه‌های آمریکا، که در سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۱۰ به توسعه عظیمی دست یافتند، به ویژه با تاسیس دانشگاه جان هاپکینز رفته رفته رونقی به سزا یافت (گوریز، ۱۹۹۲: ۳۵۷).

در ترکیه پیش از جمهوریت، مدرسه‌ها معادل موسسات آموزش عالی غرب به حساب می‌آمدند که دانشجویان را هم برای آموزش عالی آماده می‌کردند و هم به آنان آموزش عالی می‌دادند. عده‌ای معتقدند که تعدادی از مدرسین

* مترجم مقاله را به شکلی که به نظام مورد نظر مولف، مضمون و فحوای مطلب لطمه نخورد، تلخیص کرده است. این مقاله پیش از این از "مجموعه مقالات فرهنگی" سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به چاپ رسیده است.

منطقه ماوراء النهر در اواخر قرن نهم خانه‌های خود را به صورت مدرسه درآورده بودند. از میان نخستین نمونه‌های این مدارس می‌توان به مدرسه‌ای که سلطان محمود غزنوی در غزنین و برادرش نصر بن سبکتکین در نیشابور ساخته بودند، اشاره کرد (بالتاجی، ۱۹۷۶: ۶). مدارس در قرن یازدهم در دوره صدارت نظام‌الملک وزیر سلطان آلب ارسلان سلجوقی گسترش یافتند و در قرن پانزدهم با تاسیس مدارس صحن ثمان در استانبول، از طرف سلطان محمد فاتح، به اوج رسیدند.

در این مدارس که از نقطه نظر اهداف و خدمات با یکدیگر متفاوت بودند، زبان آموزش عربی بود و در کنار آموزش علوم دینی، به آموزش حقوق، زبان، ادبیات، فلسفه و علوم اساسی نیز پرداخته می‌شد. مدرسی که می‌توانستند تا قرن شانزدهم نیاز جامعه عثمانی را بر طرف سازند در دوره‌های بعدی، به جهات متعدد، تحرک خود را از دست دادند و از قافله علم عقب ماندند. حرکت‌های اصلاحات که با تنظیمات آغاز شد نه در برنامه‌های آموزشی مدارس اثر گذاشت و نه در نظام آموزشی به آنها عمل شد. در این دوره مدرسی تاسیس شدند که هدف اصلی آنها تربیت افراد فنی برای خدمت در امور نظامی بود.

در دوره عثمانیان، دانشگاه در مفهوم جدید وجود نداشت و نخستین موسسه آموزش عالی که ظرفیت و استعداد تبدیل به دانشگاه را داشت، دارالفنون بود که هجده سال پس از تصویب افتتاحش در سال ۱۸۶۳ گشایش یافت. دارالفنون تا دوره جمهوریت چندین بار بسته شد و دوباره با عنوانی دیگر مشغول فعالیت گردید تا این که آخرین بار با عنوان دارالفنون استانبول قدم در دوره جمهوریت گذاشت. دارالفنون استانبول ویژگی موسسه‌ای را داشت که می‌خواست از حالت یک مدرسه سنتی خارج شود و به یک دانشگاه جدید تبدیل گردد. با این که پس از استقرار جمهوریت برای تجدید ساختار این موسسه آموزش عالی اقداماتی به عمل آمد، نتایج بدانگونه که انتظار می‌رفت، نبود. انتقاد از دارالفنون استانبول در دو نقطه متمرکز بود: اولاً تحقیقات علمی جدی در آن جا صورت نمی‌گرفت و ثانیاً در تهیه و تحقق انقلاب‌های مورد نظر نظام جمهوری سهمی نداشت (سالنامه دانشگاه، ۱۹۷۵: ۴). جمهوری ترکیه برای این که دارالفنون حالتی متناسب با شئون جمهوری کسب کند از پروفیسور آبرت مالخ، استاد دانشگاه ژنو، دعوت کرد تا بررسی‌های لازم را انجام دهد. وی در گزارشی که تهیه کرد انتقادات خود را در چهار نقطه زیر جمع آوری کرد:

۱) انتقادات مربوط به ساختار دانشگاه

فقدان رابطه منظم میان واحدهای مختلف دانشگاه، نارسایی فعالیت‌های تحقیقاتی و حرص و کشمکش به خاطر دستیابی به مقامات اداری.

۲) انتقادات مربوط به اعضای هیئت علمی

اشتغال اعضای هیئت علمی در اموری که ارتباطی با آموزش و پژوهش ندارند و فقدان تفاهم سالم میان استاد و دانشجو.

۳) انتقادات مربوط به روش آموزش

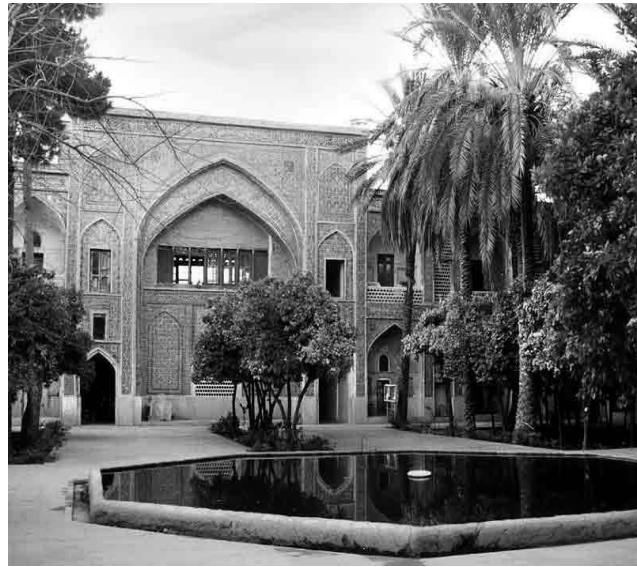
سوق دادن دانشجویان به حفظ درس که از روش آموزش حاصل می‌شود، توجه به خلاصه دروس بدون این که به جزئیات پرداخته شود و عدم توجه به درس‌های عملی.

۴) انتقادات مربوط به کتابخانه دانشگاه

نارسایی کتابخانه‌ها برای انجام تحقیقات علمی، کمبود بودجه و مشکلات استفاده از کتابخانه (کوچاترک، ۱۹۸۴: ۴۳).

تلاش انسان برای اطلاع از مجهولات و در نتیجه توسعه و گسترش موقعی نتیجه می‌دهد که به اطلاعات قبلی در موضوع مورد علاقه دسترسی باشد. تا زمانی که این دسترسی حاصل نشود نه محیط آموزشی در مفهوم کامل کلمه به وجود می‌آید و نه تحقیقاتی صورت می‌گیرد که به درد دانش و جامعه بخورد

مالخ در پایان گزارش خود آورده بود که وقتی صحبت از دانشگاه به میان می‌آید باید بدانیم که این موسسه آموزشی، علاوه بر عرضه معلومات، نهادی است که روش تفکر علمی را یاد می‌دهد و چون دارالفنون این ویژگی‌ها را ندارد، بهتر است



اصل اتحاد پژوهش و آموزش " منجر به توسعه دانشگاه‌های بسیاری از کشورها از جمله آمریکا شد. به نظر وایت‌هد، یکی از چهره‌های سرشناس نظام دانشگاهی در آمریکا، دانشگاه یک مرکز پیشرفت و توسعه است که از طریق تاثیر متقابل آموزش و پژوهش حاصل می‌آید

تعطیل شود. روز ۳۱ ژوئیه ۱۹۳۳ با لایحه وزارت آموزش ملی دارالفنون بسته شد و به جای آن در همان روز و بر اساس قانون شماره ۲۲۵۳، دانشگاه استانبول احداث گردید. به این جهت می‌توان سال ۱۹۳۳ را آغاز تاریخ دانشگاه‌های جدید در ترکیه تلقی کرد.

به قول هیرش، از دانشگاه استانبول که مدل اروپایی را تأیید کرده انتظار می‌رفت همانند دانشگاه‌های اروپایی به صورت نهادی علمی درآید که حقیقت‌ها و واقعیت‌ها را بررسی و ارزیابی کند؛ به گردآوری علم و معرفت برخیزد و به تنظیم و تکثیر و اشاعه آن بپردازد (هیرش، ۱۹۸۴: ۲۴۴). دانشگاه فنی خاورمیانه که در سال ۱۹۵۶ تأسیس شد ساختاری متفاوت با

دانشگاه استانبول به خود گرفت و از نقطه نظر اداری و آموزشی از مدل آمریکایی پیروی کرد. متعاقباً در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ به ترتیب دانشگاه‌های حاجت تپه و بوغازیچی احداث شدند. تعداد دانشگاه‌های ترکیه که تاکنون ۵ بار در سال‌های ۱۹۳۳، ۱۹۴۶، ۱۹۶۰، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۱ تنسیق قانونی را پشت سر گذارده‌اند، در سال ۱۹۴۶ به سه، در سال ۱۹۶۰ به هفت، در سال ۱۹۷۳ به دوازده، در سال ۱۹۸۱ به نوزده و امروز با دانشگاه‌های خصوصی به [بیش از] هفتاد رسیده است.

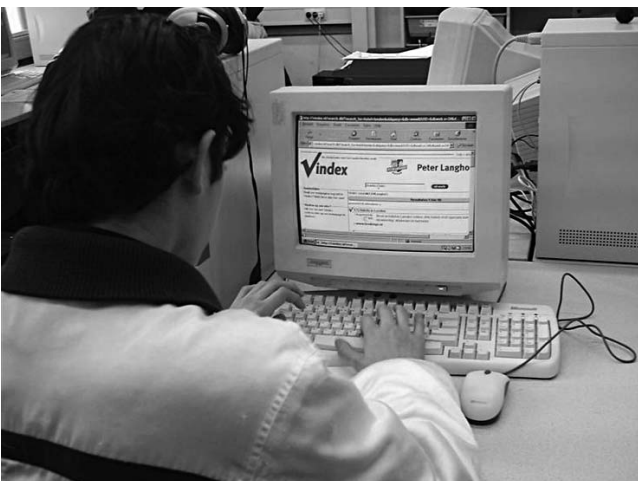
گسترش مراکز اطلاع‌رسانی

فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی که دانشگاه‌ها به انجامش موظف هستند در حیطه موضوعات مورد توجه خودشان صورت می‌گیرد. تلاش انسان برای اطلاع از مجهولات و در نتیجه توسعه و گسترش موقعی نتیجه می‌دهد که به اطلاعات قبلی در موضوع مورد علاقه دسترسی باشد. تا زمانی که این دسترسی حاصل نشود نه محیط آموزشی در مفهوم کامل کلمه به وجود می‌آید و نه تحقیقاتی صورت می‌گیرد که به درد دانش و جامعه بخورد.

از دوره آغاز فعالیت نخستین دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها که همیشه در ساختار موسسات آموزش عالی جای داشته‌اند مجبور بوده‌اند اطلاعات مورد نیاز فعالیت‌های تحقیقاتی را تأمین کنند. رابطه میان دانشگاه و کتابخانه را می‌توان بدین طریق توصیف کرد که یکی به اطلاعات و منابع اطلاع‌رسانی وابسته است و دیگری جایی است که اطلاعات را برای استفاده تنظیم و عرضه می‌کند. فعالیت کتابخانه‌های دانشگاهی که باید به عنوان زیر سیستم دانشگاهی در نظر گرفته شوند تا حدودی زیاد به امکاناتی وابسته است که بدان‌ها اختصاص می‌یابد. بدین سبب است که استادان، پژوهشگران، دانشجویان و حتی اعضای هیئت‌های مدیره دانشگاه‌ها بر اهمیت کتابخانه‌ها - که موظف هستند اطلاعات لازم را برای آموزش و پژوهش تأمین کنند- تأیید و بر آن تأکید کرده‌اند. ولی هنوز در ترکیه رابطه میان کتابخانه‌های دانشگاهی و باروری دانشگاه به صورت جدی بررسی و مطالعه نشده است.

اگر عبارتی را که در تأکید رابطه میان توسعه یک کشور با توسعه دانشگاه‌های آن کشور گفته می‌شود (بیوک ارشن، ۱۹۹۲: ۵۴) در زمینه رابطه میان دانشگاه و کتابخانه دانشگاهی به کار ببریم، باید بگوییم هیچ دانشگاهی در سطح بین‌المللی وجود ندارد که کتابخانه‌اش فاقد گسترش لازم باشد و هیچ دانشگاه شناخته شده‌ای نیست که کتابخانه گسترش یافته‌ای نداشته باشد.

اصلاحات سال ۱۹۳۳ امکانات لازم را فراهم آورد تا تغییرات اساسی در بهبود نظام آموزش عالی ترکیه صورت گیرد. علاوه بر ایجاد ساختار جدید هیئت مدیره دانشگاه‌ها، به توسعه آموزش عالی پرداخته شد و در نتیجه حرکتی در محیط دانشگاه‌ها به وجود آمد ولی دانشگاه‌ها نتوانستند به آسانی از آنچه که سال‌های دراز بدان عادت کرده بودند، خلاص شوند (چلیک، ۱۹۹۰: ۱۸). نمی‌توان گفت که ترکیه در این دوره، دانشگاهی در مفهوم امروزی داشته است. پروفیسور ارنست هیرش، که در این دوره در ترکیه به سر می‌برد و در تجدید ساختار دانشگاه‌ها سهمی عمده بر عهده داشت، از دانشگاه‌های آن دوره چنین یاد می‌کند: "... دانشجویان جز زبان ترکی با زبانی دیگر آشنا نیستند. در خارج از درس از هیچ منبعی کمک نمی‌گیرند و یا امکان بهره‌گیری ندارند... حتی مسئله‌ای به نام امانت از کتابخانه‌هایی که فاقد نشریات ادواری حرفه‌ای بودند نیز مطرح نیست." (هیرش ۱۹۸۴: ۲۶۳).



وقتی قانون شماره ۴۹۳۶ دانشگاه‌ها در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید، دانشگاه‌ها استقلال یافتند و حق تصمیم‌گیری از افراد به نهادها منتقل شد (گوریز ۱۹۹۲: ۳۹۲). در این دوره بود که مراکز علمی به عنوان حامیان اصلی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به پویندگی متناسب با دانشگاه‌های موجود دست یافتند.

همزمان با تاسیس دانشگاه‌های جدید، احداث کتابخانه‌های دانشگاهی نیز بدون برنامه آغاز شد. سایر دانشگاه‌ها به تبع دانشگاه استانبول، علاوه بر کتابخانه مرکزی، کتابخانه‌هایی در دانشکده‌ها، بخش‌ها، کرسی‌ها و انستیتوها احداث کردند. دکتر لاورنس تامسن، استاد دانشگاه کنتاکی، که در سال ۱۹۵۲ به دعوت وزارت آموزش ملی به ترکیه آمده بود، وضع کتابخانه‌های دانشگاهی را در این دوره چنین توصیف می‌کند:

"وضع کتابخانه‌ها مرا به طور جدی اندیشناک می‌کند. به استثنای یکی دو کتابخانه، بقیه به صورت نامطلوب اداره می‌شوند. بودجه کتابخانه‌های دانشگاه‌های آنکارا و استانبول در مقایسه با دانشگاه‌های هم‌تراز در آمریکا بسیار زیاد است... کسی نمی‌داند که در دانشگاه‌های استانبول و آنکارا و یا در دانشگاه فنی استانبول چند کتابخانه موجود است و این کتابخانه‌ها چه تعداد کتاب دارند." (تامسن، ۱۹۵۲: ۹).

در دهه ۱۹۵۰ نمونه‌ای از کتابخانه‌های موجود در دانشگاه‌های غرب در دانشگاه فنی خاورمیانه (آنکارا) پدید آمد. کتابخانه‌هایی که بعداً در دانشگاه‌های حاجت‌تپه و بوغازیچی احداث شدند تا حدودی از این نوع هستند. وقتی قانون شماره ۱۱۵ در ۷ مه ۱۹۶۰ از تصویب گذشت، کنترل وزارت آموزش ملی از دانشگاه‌ها برداشته شد و دانشگاه‌ها به استقلال علمی و اداری دست یافتند.

وقتی زیلوویچ برای پیدا کردن راه حل سیاسی برای حوادث دانشجویی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در ترکیه به وقوع می‌پیوست به این کشور آمد، وضع کتابخانه‌های دانشگاهی و مراکز اطلاع‌رسانی را به دقت بررسی کرد و گفت: "کتابخانه‌های دانشگاهی از نقطه نظر مجموعه، ویژگی‌های کتابداران و ساختمان کیفیت لازم را ندارند؛ اکثراً فاقد فهرست هستند و کتاب را فقط اعضای هیئت علمی به امانت می‌گیرند..."

با تصویب قانون شماره ۱۷۵۰ دانشگاه‌ها که در سال ۱۹۷۳ صورت گرفت، مقرر شد که دانشگاه‌ها همه زیر یک چتر واحد گرد آیند. در همین دوره بود که با تاسیس ده دانشگاه تعداد دانشگاه‌های کشور به ۱۹ رسید. با تصویب این قانون تعدادی کارمند متخصص برای کتابخانه‌های دانشگاهی استخدام شدند. کتابخانه‌های دانشگاه‌های ترکیه در این دوره (۷۸-۱۹۷۳) از دو مدل پیروی می‌کردند: کتابخانه‌های خاورمیانه، بوغازیچی و حاجت‌تپه جزو گروهی بودند که از مدل آمریکایی و دیگر دانشگاه‌ها از دانشگاه استانبول تبعیت می‌کردند. در دهه ۱۹۸۰ خدمات اطلاع‌رسانی در دانشگاه‌ها با مشکلات فراوانی مواجه گشت. وقتی قانون شماره ۲۵۴۷ آموزش عالی در سال ۱۹۸۱ به تصویب رسید، دوره جدیدی در حیات دانشگاه‌های ترکیه آغاز شد. در کنار تسهیلاتی که قرار بود این قانون فراهم کند، بنیادها و موقوفه‌جات نیز اجازه تاسیس دانشگاه را کسب کردند. نخستین تصمیم شورای آموزش عالی که در ۱۹ اوت ۱۹۸۲ اتخاذ شد با کتابخانه‌ها ارتباط داشت. بر اساس این قانون مرکزی به نام "اداره کتابخانه‌ها و اسناد" تاسیس شد تا در گسترش خدمات کتابداری فعالیت کند.

با توجه به این که هیچ کتابخانه‌ای نمی‌تواند همه مواد و منابع لازم را تامین کند، حداقل معیار و میزانی وجود دارد که از کشور به کشور متفاوت است. مثلاً وقتی از یک کتابخانه دانشگاهی آمریکا صحبت می‌شود، می‌گویند میلیون‌ها جلد کتاب دارد و یا زمانی که از یک کتابخانه دانشگاهی در انگلیس صحبت می‌شود، گفته می‌شود که حدود یک میلیون کتاب دارد

مشکلات مراکز اطلاع‌رسانی (کتابخانه‌ها)

ترکیه در دهه ۱۹۹۰ از جمله کشورهایی بود که می‌خواست در دنیایی که به سوی جهان‌گرایی می‌رفت جایی برای خود باز کند. این کشور از طرفی می‌خواست خلاء موجود در روند صنعتی شدن را پر کند و از دیگر طرف به تکوین ضرورت‌های یک جامعه آگاه دست بزند.

واضح است دانشگاه‌ها که موظف به تربیت نیروی انسانی و تولید اطلاعات فنی و علمی هستند اهمیت ویژه‌ای در رفع این دو مشکل دارند. دانشگاه‌ها برای این که بتوانند این مسئولیت را با موفقیت به انجام برسانند می‌بایست به اطلاعات علمی و فنی لازم در امر آموزش و پرورش دسترسی داشته باشند. در چنین حالتی است که هم نیروی خلاق در زمینه‌های علم و فناوری پرورش می‌یابد و هم اطلاعات جدیدی به دست می‌آیند که می‌توان در امور اقتصادی و اجتماعی از آنها استفاده کرد.

امروزه کتابخانه‌های دانشگاهی ترکیه، که موظف به جمع‌آوری اطلاعات (از هر منبعی که باشد) و تنظیم و عرضه آنها به اعضای هیئت علمی، دانشجویان و پژوهشگران هستند، مشکلات متعددی دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- مشکلات مربوط به مدیریت دانشگاه‌ها

کتابخانه‌های دانشگاهی بر اساس قانون شماره ۲۵۴۷ و "نخستین مصوبه" مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۲ شورای آموزش عالی و تصویب نامه شماره ۱۲۴ اداره می‌شوند. بدین جهت مدیریت کتابخانه و مرکز اسناد، به عنوان یکی از واحدهای مرکزی دانشگاه، فعالیت‌های کتابداری را انجام می‌دهد. فقط معلوم نیست این مسئولیت در دانشگاه‌هایی که کتابخانه دانشکده‌ای دارند به چه طریق باید اعمال شود. مدیران کتابخانه‌های دانشکده‌ای از نقطه نظر اداری به سردبیری دانشکده وابسته هستند و از این رو مدیران کتابخانه‌های دانشگاهی، که علی‌الاصول باید مسئولیت همه خدمات کتابداری در دانشگاه را عهده‌دار باشند، نمی‌توانند از حد و سطح نماد پا فراتر بگذارند. به ویژگی‌های آکادمیکی کتابخانه‌های دانشگاهی که با خدمات اطلاع‌رسانی اهداف اجتماعی دانشگاه‌ها را تحقق می‌بخشند در قوانین مربوطه توجه نشده است و از نقطه نظر سلسله مراتب به سردبیری دانشکده یا سردبیری دانشگاه وابسته شده‌اند. رابطه نهادی که میان فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی با کتابخانه وجود دارد در اساس ساختار دانشگاه منعکس نشده و سبب گردیده است که به فعالیت‌های کتابخانه‌ها در خارج از حیات دانشگاهی توجه شود.

امروز در اغلب دانشگاه‌های غربی، به کتابخانه به عنوان یک واحد دانشگاهی توجه می‌شود و مدیریت کتابخانه در نهادهای آموزشی دانشگاه حضور دارد. بدین طریق است که کتابخانه‌ها مستقیماً در بطن فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها قرار می‌گیرند. مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد "کمیسیون کتابخانه" است که پیشنهادهای لازم را برای توسعه خدمات کتابخانه به شورای دانشگاه می‌دهد. این کمیسیون که اغلب به ریاست رئیس دانشگاه تشکیل می‌شود به جهت این که رابطه میان هیئت مدیره دانشگاه و کتابخانه در سطحی سالم ننشسته نمی‌تواند قدم مهمی بردارد.

مشکل دیگری که در خصوص کتابخانه‌های دانشگاهی به چشم می‌خورد عدم آشنایی مسئولان کتابخانه‌ها از علوم کتابداری است. بر اساس آمار سال ۱۹۹۶ از ۵۴ نفری که در کتابخانه‌های دانشگاهی به عنوان مدیر بخش مشغول انجام وظیفه بودند ۳۹ نفر (۵۹ درصد) با علوم کتابداری آشنایی نداشتند (توپلو، ۱۹۹۶: ۵۵).

۲- مشکلات مربوط به حمایت مالی

مهمترین مشکل کتابخانه‌های دانشگاهی، همانگونه که حدود ۵۰ سال پیش از سوی تامسون نیز بر زبان آورده شده بود، عدم دسترسی به آمار است که در آن هزینه‌های کتابخانه مشخص می‌شود. بودجه کتابخانه‌های دانشگاهی در قیاس با استانداردهای بین‌المللی نارساست. در حالی که ۲-۳ درصد کل بودجه دانشگاه باید صرف خرید منابع کتابخانه باشد، در ترکیه این رقم در سال ۱۹۸۸، ۰/۸۶ درصد، در سال ۱۹۸۹، ۱/۰۴ درصد، در سال ۱۹۹۰، ۰/۸۷ درصد و در سال ۱۹۹۶، ۰/۷۹ درصد بوده است. مضافاً تفاوت‌های عظیمی در بودجه دانشگاه‌های مختلف نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال دانشگاه بوغازیچی در سال ۱۹۹۱ حدود ۶/۵ درصد بودجه خود را به تهیه منابع اختصاص داده بود؛ این رقم در همان سال در دانشگاه تراکیا ۰/۲ درصد بوده است.

۳- مشکلات مربوط به کارکنان

موقعیت یک کتابخانه به کیفیت کارکنان آن کتابخانه بستگی دارد. به دلیل این که در خصوص کیفیت و کمیت کارکنان کتابخانه‌ها اطلاعی منظم و مرتب در منابع رسمی وجود ندارد، هر پژوهشگر برای دستیابی به این اطلاعات به صدور پرسشنامه دست می‌زند و اطلاعاتی جمع‌آوری می‌کند که در اعتبار آنها تردید وجود دارد. در سال ۱۹۹۷ در ۵۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه‌های ترکیه ۹۷۰ نفر مشغول بودند که از میان آنها فقط ۲۷۶ نفر (۲۸ درصد) آموزش کتابداری دیده بودند. مشکل دیگر کارکنان کتابخانه‌ها حتی آنانی که تحصیلات کتابداری دیده بودند عدم کفایت حقوق‌شان بود؛ این مشکل سبب می‌شد که تعدادی از این کتابداران به بخش‌های خصوصی که حقوق بیشتری می‌دهند، منتقل شوند. ناگفته نماند که در بسیاری از کشورهای غربی کتابداران متخصص از نقطه نظر مادی و موقعیت اداری با اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها هم طراز گرفته می‌شوند.

۴- مشکلات مربوط به مجموعه

دانشجویان، اعضای هیئت علمی و پژوهشگران انتظار دارند که در کتابخانه‌ها به منابع مطلوب خود دسترسی پیدا کنند. در حقیقت کتابخانه‌های دانشگاهی نیز براساس این فلسفه بنا نهاده شده‌اند. بدین سبب کتابخانه‌های دانشگاهی موظف و مجبور به تهیه مواد و منابع لازم برای تحقیق هستند. با توجه به این که هیچ کتابخانه‌ای نمی‌تواند همه مواد و منابع لازم را تامین کند، حداقل معیار و میزانی وجود دارد که از کشور به کشور متفاوت است. مثلاً وقتی از یک کتابخانه دانشگاهی آمریکا صحبت می‌شود، می‌گویند میلیون‌ها جلد کتاب دارد و یا زمانی که از یک کتابخانه دانشگاهی در انگلیس صحبت می‌شود، گفته می‌شود که حدود یک میلیون کتاب دارد. در آمریکا کالجی که ۶۰۰



دانشجو داشته باشد صاحب کتابخانه ای با ۵۰ هزار جلد کتاب است و در قبال هر دویست دانشجویی که بر تعداد دانشجویان افزوده می‌شود ۱۰ هزار جلد کتاب خرید می‌شود.

"راهنمای مراکز اطلاع رسانی ترکیه" که در سال ۱۹۹۸ موسسه تحقیقات علمی- فنی ترکیه (TUBITAK) آن را فراهم آورده، نشان می‌دهد که تعداد آثار موجود در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد ۲۲ دانشگاه (۴۲ درصد کل دانشگاه‌ها) بین ۱۰۰۰ تا ۲۰ هزار است؛ این رقم در ۱۲ دانشگاه دیگر (۲۳ درصد کل دانشگاه‌ها) بین ۲۰ تا ۴۰ هزار و تنها در سه دانشگاه (۶ درصد کل دانشگاه‌ها) تعداد کتاب بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار است. در ترکیه فقط یک کتابخانه دانشگاهی (کتابخانه دانشگاه استانبول) وجود دارد که تعداد کتاب‌های مجموعه‌اش بیش از نیم میلیون است.

همین وضع در نشریات ادواری نیز دیده می‌شود. ۱۵ کتابخانه دانشگاهی (۲۹ درصد کل دانشگاه‌ها) بین ۱ تا ۵۰ نشریه آبونه شده‌اند؛ این رقم در ۸ کتابخانه (۱۶ درصد کل دانشگاه‌ها) بین ۱۰۰ تا ۲۰۰، در ۹ کتابخانه (۱۷ درصد کل دانشگاه‌ها) بین ۲۰۰ تا ۵۰۰، در ۱۰ کتابخانه (۱۹ درصد کل دانشگاه‌ها) بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰، در ۳ کتابخانه (۶ درصد کل دانشگاه‌ها) بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ و بالاخره در یک کتابخانه (که متعلق به یک دانشگاه غیر دولتی است) بین دو تا سه هزار است.

در جریان سال ۱۹۹۳ تعداد نشریات ادواری و کتاب‌هایی که وارد کتابخانه‌های ترکیه شدند ۲۰ هزار بوده است. این رقم در عربستان سعودی ۹۵ هزار، در ایران ۱۹۹ هزار، در بلغارستان ۲۹۰ هزار، در دانمارک ۳۰۳ هزار، در اتریش ۳۳۴ هزار، در فرانسه ۳۴۹ هزار، در هلند ۶۴۱ هزار، در انگلستان ۱،۶۵۶،۰۰۰، در آلمان ۲۶۲۷۰،۰۰۰ و در ژاپن ۷۲۸۲۰،۰۰۰ بوده است (نشریه علم و فناوری ترک، ۱۹۹۳: ۳۰).

سایر مشکلات

با این که در اساس اصلاحات قانونی برای تنظیم نظام آموزش عالی (که با اصلاحات ۱۹۳۳ آغاز شد) توسعه آموزش عالی، ارتقای کیفیت آموزش و تشویق پژوهش قرار داشته است در هیچ کدام از تغییراتی که انجام گرفت، تمهیداتی برای افزایش قدرت باروری کتابخانه‌ها پیش‌بینی نشد. اگر توجه داشته باشیم که عادت به مطالعه و استفاده از کتابخانه جزو ویژگی‌های اجتماعی ملت ترکیه نیست، ارتباط کتابخانه‌ها - که "قلب دانشگاه" هستند - با دانشگاه‌ها تاکنون از حد و مرز تعارف تجاوز نکرده است. آنچه دانشگاه‌ها را از سایر موسسات آموزش عالی متمایز می‌سازد اهمیتی است که در دانشگاه‌ها به تحقیقات داده می‌شود. متعاقب جنگ جهانی دوم که کشورهای جهان به اهمیت تحقیقات بیش از پیش واقف شده بودند، به فعالیت‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها توجه و سرمایه‌گذاری در این واحدهای آموزشی آغاز شد.

در ترکیه، دانشگاه‌ها مهم‌ترین واحدهای تحقیقاتی هستند. بر اساس آمار سال ۱۹۹۵ از مجموع ۴۶۳۳۹ نفر که در امور تحقیقاتی فعالیت داشتند ۶۳/۷ درصد در دانشگاه‌ها، ۱۶/۷ درصد در بخش دولتی و ۱۹/۶ درصد در بخش تجاری مشغول بودند (یوجل، ۱۹۹۷: ۵۴). در همین سال از بودجه تحقیقاتی کشور ۶۹ درصد به دانشگاه‌ها، ۷ درصد به بخش دولتی و ۲۴ درصد به بخش تجاری اختصاص یافته بود (نشریه علم و فناوری ۱۹۹۷: ۷۶). مبلغی که در ترکیه برای تحقیقات در نظر گرفته می‌شود (۰/۳۸ درصد کل بودجه) در مقایسه با بودجه‌ای که در کشورهای غربی برای این گونه فعالیت‌ها اختصاص می‌یابد (بین ۱ تا ۳ درصد) ناچیز است. شاخص دیگری که میزان فعالیت‌های تحقیقاتی را

عنوان نمایه	۱۹۸۵		۱۹۹۵	
	تعداد	رده	تعداد	رده
نمایه استنادی علوم	۴۹۳	۴۳	۲۳۳۳	۳۴
نمایه استنادی علوم اجتماعی	۳۱	۴۳	۱۱۴	۳۶
نمایه استنادی هنر و ادبیات	۸	۴۵	۲۰	۳۷
جمع کل مقالات	۵۳۲		۲۴۶۷	

نشان می‌دهد تعداد مقالاتی است که در نمایه‌های بین‌المللی نظیر "نمایه استنادی علوم"، "نمایه استنادی علوم اجتماعی" و "نمایه استنادی هنر و ادبیات" به آنها اشاره می‌شود. در جریان سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ افزایش قابل توجهی در تعداد مقالات مندرج در هر سه نمایه فوق‌الذکر دیده می‌شود. وضع ترکیه در نمایه‌های استنادی بین‌المللی از جدولی که شورای آموزش عالی تهیه کرده است مشخص می‌گردد (نظام آموزش عالی ترکیه از سال تحصیلی ۹۵-۱۹۹۴ تا سال تحصیلی ۹۶-۱۹۹۵، مارس ۱۹۹۷، ص ۷۰):

عصر اصلی تحقیقات را بدون شک محققان تشکیل می‌دهند. در سال تحصیلی ۹۶-۱۹۹۵، تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ترکیه ۴۹۲۳۴ بود که از میان آنان ۱۳ درصد استاد، ۷ درصد دانشیار، ۱۳ درصد استادیار، ۴۲ درصد مربی و ۲۵ درصد دیگر مامور تحقیقاتی و معلم بودند.

تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترا شاخص دیگری است که به تعیین میزان

* برای اطلاع بیشتر به "سیاست فرهنگی ترکیه" که مترجم در حوزه فعالیت‌های رایزنی فرهنگی انجام داده است رجوع شود.

فعالیت های تحقیقاتی کمک می کند.* در سال تحصیلی ۹۶-۱۹۹۵ تعداد این دانشجویان بالغ بر ۶۹۵۲۶ بود که از میان آنان ۲۸ درصد در دوره دکترا و ۷۲ درصد در دوره فوق لیسانس تحصیل می کردند. با این که ظرف ده سال تعداد دانشجویان فوق لیسانس و دکترا حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافته بود، باروری و بازدهی برنامه ها از ۱۵ درصد به ۱۲ درصد افت کرده بود. در ترکیه ۵/۷ درصد کل دانشجویان دانشگاه ها در دوره های فوق لیسانس و دکترا تحصیل می کنند. این رقم در ایالات متحده آمریکا ۲۱/۴ درصد، در اسرائیل ۲۱/۲ درصد، در فرانسه ۱۴/۱ درصد و در نروژ ۱۳/۹ درصد است.

بدین ترتیب ملاحظه می شود که در ترکیه زمینه لازم برای انجام فعالیت های تحقیقاتی موجود نیست. انتقادی که در گزارش "سیاست علمی ترکیه، ۱۹۸۳-۲۰۰۳" نسبت به فعالیت های تحقیقاتی در ترکیه شده، امروز نیز اعتبار خود را حفظ کرده است.

نتیجه

شکی نیست دانشگاه ها که مسئولیت تربیت نیروی انسانی کشور و ارتقای سطح آگاهی های علمی و فنی را عهده دار هستند و یکی از نهادهای اساسی جامعه صنعتی به شمار می آیند، جایگاه خود را در جامعه علمی قرن بیست و یکم نیز حفظ و اهمیتی بیشتر از امروز کسب خواهند کرد. کشورهایی که روند صنعتی شدن را به انجام رسانیده اند و یا در حال انجام آن هستند با توجه به این واقعیت که آموزش و پژوهش در سطح وسیع در دانشگاه ها صورت می گیرد، توجهی بیشتر به این نهاد معطوف می دارند. بدون شک کشورهایی که در خصوص آموزش و پژوهش سرمایه گذاری می کنند و تولید علم و ارائه خدمات علمی را به شکلی موفقیت آمیز ادامه می دهند در دنیایی که به سوی جهان گرایی می رود در رقابت بین المللی موفق تر خواهند شد.

توجه به تشکیل جامعه علمی در ترکیه در دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. به دلیل این که هنوز روند صنعتی شدن در این کشور به پایان نرسیده لازم است، علاوه بر توفیق کامل در صنعتی شدن، ساختاری را که تحول اجتماعی پیش بینی می کند، تحقق بخشیم. امروز وظیفه سنگین و مهمی بر عهده دانشگاه هاست که این دو مشکل را با انجام پویش های لازم هم زمان حل کنند. متأسفانه دانشگاه های ترکیه رابطه ای نزدیک و منطقی با کتابخانه ها، که مراکز جمع آوری و عرضه اطلاعات هستند، ندارند و کتابخانه ها نیز نمی توانند حمایت لازم را از دانشگاه ها کسب کنند. مدتی کوتاه پس از آن که قانون شماره ۲۴۵۷ آموزش عالی به اجرا گذارده شد، مرکزیت گرایی در ادامه و عرضه خدمات کتابخانه های دانشگاهی پیش آمد ولی به دلیل این که تدابیر لازم اتخاذ نشده بود، هر دانشگاه مطابق میل خود به شکل دهی کتابخانه اش پرداخت. این شکل دهی ها سبب شده اند که بتوان دانشگاه های ترکیه را، به استثنای چند دانشگاه معدود، دانشگاه بدون کتابخانه نامید.

قدم مهمی که در دهه ۱۹۸۰ در ارتباط با کتابخانه های دانشگاهی برداشته شد تاسیس "مرکز بین المللی کاوش های علمی و اسناد" بود که در بطن شورای آموزش عالی فعالیت می کرد. این مرکز، که به منظور جبران کمبود نشریات ادواری در کتابخانه های دانشگاهی تاسیس شده بود، از سال ۱۹۸۷ به بعد آبونه ۱۳۵۲۰ نشریه ادواری شد و به صورت مرجعی برای پژوهشگران درآمد. مرکز مزبور به دلیل کمبود بودجه تعداد نشریات ادواری خود را از آغاز دهه ۱۹۹۰ تقلیل داد و بر اساس پروتکلی که در سال ۱۹۹۶ به امضا رسید در بطن موسسه تحصیلات علمی- فنی ترکیه قرار گرفت.

دانشگاه های ترکیه که مسئولیت عظیمی در زمینه فعالیت های آموزشی و پژوهشی و تکوین جامعه ای مطلع و آگاه بر عهده دارند، در هفتاد و پنجمین سال تاسیس جمهورییت وضع نگران کننده ای دارند. این دانشگاه ها علاوه بر این که ارتباطی معنادار با کتابخانه ها ندارند، از نظر فعالیت های علمی نیز در سطح نامطلوب قرار گرفته اند. با توجه به این که شورای آموزش عالی نتوانسته استانداردهایی برای خدمات علمی تهیه و تنظیم کند، هر دانشگاه به ذوق و سلیقه خود به شکل دهی کتابخانه هایش دست زده است. به عبارت دیگر کتابخانه های موجود در یک دانشگاه نگرش اداری و آکادمیکی آن دانشگاه را نسبت به عنصر علم و معرفت منعکس می کنند. در کشورهایی که اهمیت حیاتی علم و اطلاعات برای دانشگاه ها محرز نگردد، توجهی بایسته به کتابخانه ها، که مسئول تهیه، تنظیم و عرضه این اطلاعات هستند، معطوف نمی شود و اکنون که هم مقدار اطلاعات و هم هزینه منابع اطلاعاتی روز به روز افزایش می یابد، صرف امکانات محدود مالی برای خدمات کتابداری عاقلانه تلقی نمی گردد. در صورتی که می دانیم دانشگاه های کشورهای پیشرفته که صاحب هرگونه امکانات فناوری هستند، به کتابخانه های خود توجه لازم نشان می دهند و از سرمایه گذاری های کلان در این خصوص امتناع نمی ورزند ■

کتابخانه های موجود در یک دانشگاه نگرش اداری و آکادمیکی آن دانشگاه را نسبت به عنصر علم و معرفت منعکس می کنند. در کشورهایی که اهمیت حیاتی علم و اطلاعات برای دانشگاه ها محرز نگردد، توجهی بایسته به کتابخانه ها، که مسئول تهیه، تنظیم و عرضه این اطلاعات هستند، معطوف نمی شود و اکنون که هم مقدار اطلاعات و هم هزینه منابع اطلاعاتی روز به روز افزایش می یابد، صرف امکانات محدود مالی برای خدمات کتابداری عاقلانه تلقی نمی گردد

